

عشق به حسین (ع) پایان ندارد



فتاوی‌های
حجت‌الاسلام والمسلمین
حسین ابراهیم
ری

پیاده روی اربعین حسینی با عظمت برگزار شد و بازمه عاشقان حسینی عشق و شیدایی خود را به امامشان نشان دادند. امسال زیارت امام حسین (ع) بعد از اربعین نیز ادامه دارد و موبک‌ها همچنان دایر و فعال هستند؛ زیرا دهه پایانی صفر هنوز تمام نشده است و برای زیارت این امام هیچ وقت دیر نیست. اگر از مزار اربعین بپرسید، می‌توانم بگویم کلمه اربعین اشاره به عدد چهل دارد و منظور از روز اربعین، چهلم شهادی کربلاست. بعضی علمای مادر کتب خود به این موضوع مهم پرداخته‌اند که چهل‌م گرفتن فقط مخصوص امام حسین (ع) و اصحاب شهید ایشان است. اسرار و حکمت‌های زیادی در این اربعین گرفتن برای امام حسین (ع) وجود دارد. نکته عجیب و جالب اینجاست که در روایات ماثواب و ارزش زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین از ثواب زیارت ایشان در روز عاشورا بیشتر است و این اهمیت تاجایی پیش می‌رود که در یک روایت معروف، امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید: «علامات المؤمن خمس، صلاة الخمسين، زیارات الاربعین، والتختم فی الیمین، وتعفیر الجبین، و الجهر بسم ا... الرحمن الرحیم»؛ نشانه‌های انسان مؤمن پنج‌تاست؛ پنجاه رکعت نماز روزانه (نمازهای واجب و نافله)، زیارت اربعین، انگشتن به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن و بسم ا... الرحمن الرحیم را بلند گفتن؛ یعنی شیعہ، زیارت اربعین و توجه به زیارت امام حسین (ع) را از علامات مؤمن شمرده است. می‌توان گفت تمام حکمت و اهمیتی که در اصل قیام سیدالشهدا (ع) است، در موضوع اربعین وجود دارد؛ یعنی اگر پیامبر خدا فرمودند: «حسین منی و انا من حسین»، این بدان معناست که جاوید بودن و جاویدان ماندن دین من به برپایی نهضت امام حسین (ع) است و نکته مهم اینجاست که صدای این نهضت هم قرار است با رسانه اربعین به تمام دنیا برسد و عالم‌گیر بشود؛ مسئله‌ای که با یک نگاه کوتاه به راهپیمایی عظیم اربعین که هرسال بزرگ‌تر و باشکوه‌تر برگزار می‌شود، آشکار می‌شود.

اما این تمام داستان عجیب‌کنگره بزرگ اربعین نیست؛ اربعینی که رهبر معظم انقلاب در جملات زیبایی آن را از جلوه‌های بارز میدان مغناطیس حسینی و نمود جوشش این خون پاک پس از بیش از هزار سال می‌داند و این شکوه و عظمت و رسانه عظیم حسینی، برنامه‌ریزی شده است تا زمینه ظهور مهدی امت را فراهم کند. آن امامی که وقتی ظهور می‌کند، می‌گوید: من فرزند آن مظلومی هستم که او را تشنه شهید کردند. در منابع روایی آمده است زمانی که قائم آل محمد (عج) ظهور کند، مابین رکن و مقام می‌ایستد و پنج نداسر می‌دهد؛

إذا ظهر القائم (ع) قام بین الرکن والمقام و ینادی بنداات خمسہ؛ الأول: ألا یا أهل العالم انا الإمام القائم؛

آگاه باشید ای اهل عالم که من قائم امام هستم.

الثانی: ألا یا أهل العالم انا الصمصام المنتقم؛

آگاه باشید ای اهل عالم که من هستم شمشیر انتقام‌گیرنده!

الثالث: ألا یا أهل العالم إن جدی الحسين قتلوه عطشان؛

آگاه باشید ای اهل عالم که جد من، حسین، را تشنه‌کام کشتند.

الرابع: ألا یا أهل العالم إن جدی الحسين علیه السلام طر حوه عریانا؛

آگاه باشید ای اهل عالم که جد من حسین را عریان روی خاک افکندند!

الخامس: ألا یا أهل العالم إن جدی الحسين علیه السلام سحقوه عذوانا؛

آگاه باشید ای جهانیان که جد من حسین را از روی کینه‌توزی پامال کردند!

بقیه... (عج) و آن فردی که از خاندان رسول خدا (ص) باقی مانده است تا دین او را همه‌گیر کند، خواهد آمد؛ کسی که انتقام حسین (ع) و مظلومان جهان را می‌گیرد و عدل را در جهان می‌گستراند.

رفیق

تازه‌مسلمان

محمد جواد ابو عطا^۱ وهب بن وهب، به میدان آمد. تازه‌مسلمان بود اما در ایمان به خدای و تشخیص وظیفه‌اش نیز جزو بهترین‌ها بود. همراهی با امام زمان خود را در صدر همه کارهایش قرار داد و با همراهی مادرش در صحنه کربلا حاضر شد. پیش از آن او و مادرش، مسیحی بودند. اما وقتی سعادت دیدار امام حسین (ع) به آن‌ها دست داد، مسلمان شدند و تا کربلا به دنبال او آمدند. شیخ صدوق در کتاب خود «الامالی» از رشادت و شجاعت او و مادرش این‌گونه می‌نویسد: «وهب، بر اسب سوار شد و عمود خیمه را به دست گرفت و جنگید تا هفت یا هشت تن [از سپاه دشمن] را کشت و سپس، اسیر شد. او رانده عمرین سعد -که خدا لعنتش کند- آوردند. فرمان داد گردنش را بزنند. او را گردن زدند [و سرش را] به سوی لشکر امام حسین (ع) انداختند. مادرش، شمشیر او را برگرفت و به میدان آمد. امام حسین (ع) به او فرمود: ای ام وهب! بنشین که خداوند، جهاد را از دوش زنان، برداشته است. تو و پسرت، با جدم محمد در بیشت خواهید بود».

وهب بن وهب یا وهب بن عبدا... بن حباب کلبی از افرادی است که بیشتر منابع، نامش را در فهرست شهدای کربلا آورده‌اند، ولی درباره نسب و همچنین یک یا چند نفر بودنش، اختلافاتی وجود دارد. برخی نام وهب را متعلق به دو تن از شهدای کربلا می‌دانند که یکی پسر وهب بوده است و دیگری پسر عبدا... بن حباب. دیگران تنها از یک وهب در کربلا صحبت می‌کنند. برخی نویسندگان نیز معتقدند فردی به نام وهب وجود خارجی نداشته است. این گروه به علت مشابهت گزارش‌های منابع درباره وهب با فرد دیگری از شهدای کربلا به نام عبدا... بن عمیر کلبی، این دو تن را یک نفر می‌دانند، هرچه باشد، رشادت و شجاعت این تازه‌مسلمان پس از قرن‌ها هنوز زبان‌زد است.

بردار و بخوان

صحبت سال‌ها

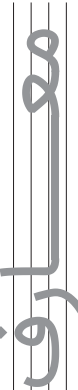
توصیه به مطالعه زندگی‌نامه بزرگان و علما از تأکیدهای آیت... بهجت است. خوب است برای گوش دادن به توصیه ایشان در قدم اول به سراغ اثری برویم که درباره سیره و سبک زندگی خودشان است. کتاب «صحبت سال‌ها» زبان فرزند ایشان، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی بهجت است درباره این امر. این اثر که به کوشش مرکز تنظیم و نشر آثار معظم‌له به رشته تحریر درآمده است، از منابع بسیار مهم در ثبت سیره و خاطرات آیت... بهجت است.

تلاش‌های فراوانی برای تألیف و تنظیم این اثر صورت گرفته است. مطالب پراکنده از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین علی بهجت در لابه‌لای سخنرانی‌های متعدد ایشان به تفصیل جمع‌آوری و ثبت شده و دست‌نوشته‌های ایشان و مصاحبه‌های گوناگونشان با افراد و نشریات و رسانه‌های مختلف، نیز گردآوری شده است. این مطالب، پس از گردآوری، دسته‌بندی و نمایه‌زنی شد و پس از آن، با انسجام و نظمی خاص درکنار هم قرار گرفت و نویسندگانی مجرب در قالبی مناسب، بازنویسی‌اش کردند. این مطالب را خود ایشان با رها با زبانی و بررسی کردند و در ضمن این بررسی‌ها، نکات جالب بسیاری اضافه و برخی را نیز اصلاح کردند. این کتاب در قطع رقعی و به صورت مصور در سه فصل به چاپ رسیده است. بخش اول: زندگی‌نامه. بخش دوم: ویژگی‌های علمی، شخصیتی، عبادی. بخش سوم: برخی از رویکردها و نظرها.



شهر
خبر
۸ شهریور ۱۳۹۲
صفحه ۲۴ شماره ۳۳۸

۱۴



بررسی راه‌های تعامل با نوجوان در فرهنگ دینی

نوجوانی را فصل طلایی زندگی کنیم

احترام؛ شاهراه تعامل با نوجوان

احترام از شاه‌کلیدهای تعامل با نوجوان است که اثری مطلوب بر او می‌گذارد. این احترام در سیره تربیتی ائمه (ع) هم مشهود است؛ چنان‌که امام رضا (ع) برای جوادالائمه (ع) احترام بسیار قائل بودند؛ محمد بن ابی‌عباد که فضل بن سهل‌امور نگارش حضرت رضا (ع) را به او سپرده بود، می‌گوید: حضرت رضا (ع) همواره از فرزند بزرگوارش محمد با کنیه (نزد عرب علامت بزرگداشت و احترام است) نام می‌بردند و می‌فرمودند: «ابوجعفر به من چنین نوشت و من به ابوجعفر چنین نوشتم». با آنکه امام جواد (ع) در مدینه به سر می‌بردند و کودکی بیش نبودند، حضرت ایشان را بسیار احترام می‌کردند و نامه‌هایشان را با کمال بلاغت و نیکویی پاسخ می‌دادند.

انس با اهل بیت (ع)

نوجوان تنها در سایه تربیت دینی است که از بلا تکلیفی، ابهام و سردرگمی دوران نوجوانی نجات می‌یابد و فلسفه روشنی برای زندگی خود پیدا می‌کند و می‌تواند پاسخ سؤال‌های اساسی خویش را بیابد. علاوه بر این، دست یافتن به ایمان دینی، به نوجوان در رسیدن به آرامش روانی که از نیازها و ضرورت‌های این دوران است، کمک می‌کند و اضطراب‌های او را برطرف و ارتباط او با والدین و جامعه را هم تسهیل و سازنده می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «نوجوانان خود را با احادیث و معارف ما آشنا کنید قبل از اینکه گروه‌های منحرف بر شما پیشی گیرند» (و آنان را به انحراف بکشانند) «التهذیب، ج ۸، ص ۱۱۱).

نوجوان را تحقیر نکنیم

نوجوانی فرصتی است که فرد می‌تواند با برخی آزمون و خطا راه درست را برای ادامه مسیر زندگی پیدا کند، لذا ممکن است در این مسیر خطا و اشتباه هم داشته باشد. می‌توان خطاهای نوجوانان را در محیطی کاملاً دوستانه و به دور از تحقیر، سرزنش و تخریب شخصیت، تذکر داد. علاوه بر این، در هنگام نصیحت و تذکر عیوب نوجوانان نباید طولانی سخن گفت و شیرینی نصیحت را از بین برد. امام کاظم (ع) می‌فرمایند: «هرکه با سخنان زائد، شیرینی کلام خود را محو کند، به نابودی عقلش اقدام کرده است» (کافی، ج یک، ص ۱۷).

بایدهای رفتار با نوجوان

باید توجه کرد نوجوان در حال بالغ شدن است و بسیاری از رفتارهای وی در این دوران طبیعی است. لذا والدین باید برخوردی را که در دوران کودکی با وی داشته‌اند، تغییر دهند و همچون فردی بالغ با او رفتار کنند؛ اجبار و زور نداشتن در وادار کردن نوجوان به کاری، توجه به احساسات و عواطف او، فرصت‌سازی برای پرداختش به علایق و استعدادها، برهیز از نصیحت‌های تکراری، نداشتن واکنش شدید در برابر آرا و دیدگاه‌های او و همچنین احترام به خواست او برای سکوت و تنهایی، الزامات اخلاقی تربیتی است که باید در این دوران رعایت شود تا نوجوان با کمترین آسیب، این گذار را پشت سر بگذارد.

از محبت غافل نشویم

از عوامل مؤثر در تربیت و ارتباط با نوجوان، به‌کارگرفتن محبت است؛ در روایت داریم «محبت خود را ابراز کنید؛ چرا که این امر باعث دوستی و محبت زیادتر و پایدارتر می‌شود». امام رضا (ع) از این شیوه مؤثر تربیتی به شکل‌های مختلف بهره می‌گرفتند. گاهی اوج محبت خود را در قالب تعبیر «بابی انت و امی» (پدر و مادرم به فدایت) نشان می‌دادند. اباصلت می‌گوید: «هنگامی که جواد (ع) بر بستر شهادت پدر وارد شد، حضرت رضا (ع) از بستر برخاستند، به‌سوی او رفتند، دست بر گردنش انداختند و او را به سینه فشردند، میان دو چشمش را بوسیدند و با او سخن گفتند».

روشنا

امام حسن (ع)؛ هر که خدا را بندگی کند، خداوند همه چیز را بنده او گرداند. (تنبيه‌الخواطر، ص ۱۰۸).

امام حسن (ع)؛ مَنْ عَبَدَ... عَبَدَ... لَهُ كُلُّ شَيْءٍ.

شهر بلندقامتان

جَبَّارٌ غَنِيْد(هود، ۵۹)،
درحال غرق شدن بودند که خداوند غریق نجات فرستاد.
کسی که برای آن‌ها مثل برادر، مهربان و دلسوز بود؛ خدا هو را فرستاد.
وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ أَغْثُوا... مَا لَكُمْ مِّنَ إِلَهِ غَيْرُهُ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ (هود، ۵۰).
اما آن‌ها...
دستشان را به هود ندادند. آن‌ها غرق لذت‌ها بودند. هود آن‌ها را از قهر خدا ترساند.
وَادَّكُرَ أَخَا عَادٍ أَنَّهُ وَدَّ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتْ النَّدْرُ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ(احقاف، ۲۱)،
سه سال قحطی شد. در شهری به

احکام

در مورد این پرسش که می‌توان آن را به سه بخش تقسیم کرد. باید گفت اگر مورد نذر مرد بین زیاد و کم باشد، همین که به کم عمل کند. کافی است؛ مثلا مردد است که صد تومان به فقیر بدهد یا دویست تومان، همین که صد تومان را بدهد، کافی است.

اما اگر مردد بین دو یا چند چیز متفاوت بوده است و احتمالات معدودی در نظر اوست، باید احتیاط کند و تمام موارد را انجام دهد، مثلا نذر کرده است صدقه بدهد یا روضه بخواند، بنا بر احتیاط، هر دو کار را انجام دهد.

چنانچه اصلا موضوع نذر را نمی‌داند، به‌گونه‌ای که قدرت عمل به نذر را ندارد، نذر او ساقط است و وظیفه‌ای ندارد و اگر بعدا یادش آمد، به آن عمل کند. ضمن اینکه برخی فقها معتقدند در موقعی که احتمالات متعدد و غیرمصور است، می‌تواند با قرعه‌موردی را تعیین و به آن عمل کند.

حکم فراموشی نذر

اگر فردی مطمئن باشد که نذری داشته است. اما یادش نیست که چه چیزی نذر کرده است، تکلیفش چیست؟

سمانه رضوانی‌اوارد هر شهری که بشوی، از ظاهرش می‌توانی خیلی چیزها را تشخیص بدهی؛ مثلا اگر آن شهر خانه‌های قدیمی داشته باشد، می‌فهمی که مردمانی سنتی دارد و اگر ساختمان‌های لوکس و فضای به‌روزی داشته باشد، سبک زندگی مردمش مانند نخل‌های خرما. ...کَانَهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّثَقِرٍ (قمر، ۲۰)، قوم عاد سرزمینی بسیار حاصلخیز، نزدیک دجله و فرات داشت.

شهر امر جایی که مثلش آفریده نشده است. اِزَمَ ذَاتُ الْعِمَادِ، التي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَدِ(فجر،

آن حاصلخیزی، قحطی شد که شاید عده‌ای را بیدار کند اما دریغ! بعد از سه سال آسمان سیاه شد و قوم عاد تصور کردند قحطی تمام شده است و می‌خواهد باران بیارد. خوشحال بودند و به هم خبر خوش می‌دادند.
فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالَ هَٰذَا عَارِشُ مِمْلُكَنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَغْنَيْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عِذَابٌ أَلِيمٌ(احقاف، ۲۴).

با شروع به وزیدن گرفت. نه باد معمولی، بادی که آن شهری که مثلش آفریده نشده بود را از بین برد.
بادی که انسان‌هایی که چون نخل بلندقامت بودند، را از جامی کند.
قوم عاد ایمان نیاوردند و از آن‌ها چیزی جز عبرت نماند.
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادِ(فجر، ۶).